

## بررسی فقهی خلوت با نامحرم در منابع شیعه و اهل سنت

جعفر علی گلی<sup>۱</sup>، سیدعلی سیدموسوی<sup>۲</sup>، صدیقه محقق<sup>۳</sup>

### چکیده

گسترش روابط اجتماعی، مسئله ارتباط زن و مرد نامحرم را پررنگ‌تر کرده است. این ارتباط‌ها گاهی موجب شکل‌گیری خلوت بین آنها می‌شود. کسب آرامش و تعالی مادی و معنوی جامعه اسلامی در گرو تنظیم هوشمندانه روابط با نامحرمان است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی فقهی-اجتهادی حکم شارع درباره خلوت زن و مرد نامحرم است. اطلاعات پژوهش به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری و به شیوه تحلیلی-اجتهادی تجزیه و تحلیل شده است. ادله تحریم خلوت در منابع شیعی شامل چند دسته روایات، شهرت فتوایی، سیره متشرعه و علت دانستن خلوت برای وقوع در حرام است. درمقابل به دلیل ضعف سندی روایات، ضعف دلالت روایات بر حرمت خلوت، وجود روایات معارض ورد شهرت فتوایی، رد سیره متشرعه و حکمت نبودن خلوت برای وقوع در حرام، ادله گروه اول نقد شده است. باین‌وجود، به دلیل روایات متعدد مانند نظر بیشتر فقها، احتیاط در ترک خلوتی است که حضور یا نظارت دیگران وجود ندارد، البته جایی که خلوت مقدمه برای هر نوع کار حرامی باشد از باب ریه یا مقدمیت حرام است. براساس منابع اهل سنت، خلوت زن و مرد نامحرم جایز نیست مگر اینکه با حضور فرد مورد اعتمادی باشد. مصادیق خلوت در مذاهب اهل سنت متفاوت بوده و نظرات علما در این باره با پذیرش اصل حرمت خلوت مختلف است.

**واژگان کلیدی:** نامحرم، خلوت، دلیل فقهی، منابع شیعه، منابع اهل سنت.

۱. دانش‌پژوه دکتری قرآن و روان‌شناسی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۲. عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: sas.mousavi110@gmail.com

۳. دانش‌پژوه سطح چهار فقه خانواده، مربی گروه فقه خانواده از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: smohaghegh22@gmail.com

انسان موجودی اجتماعی است و با زندگی فردی قادر به تأمین نیازهای خویش نیست. بنابراین، چاره‌ای جز زندگی اجتماعی ندارد. نیازهایی که بشر را به زندگی اجتماعی وامی‌دارد تنها نیازهای مادی و اقتصادی نیست، بلکه نیازهای روحی-روانی و فکری نیز نقش عظیمی دارند. از یک نگاه، نقش این عوامل کمتر از عامل اقتصادی و مادی نیست. برای نمونه، یکی از نیازهای بشر نیاز علمی است. میل به دانش و آگاهی، یکی از امیال فطری بشر است. شکوفایی، ارضا و بالندگی میل علمی بشر، تنها در سایه زندگی اجتماعی، روابط با دیگران و در گرو تعلیم و تربیت است. یکی دیگر از امیال فطری و روحی بشر میل به داشتن دوست و یار صمیمی است. انسان به طور فطری دوست دارد که در سایه روابط با دیگران، خود را از تنهایی رها کند به‌ویژه در مواقع رنج، درد و نگرانی، خواهان کسی است که با او درددل کند تا التیام‌بخش دردهایش باشد. بنابراین، عوامل مختلف مادی و روحی، انسان را به سمت وسوی زندگی اجتماعی سوق می‌دهد. در زندگی اجتماعی به صورت طبیعی روابطی شکل می‌گیرد مانند رابطه همسایه با همسایه، دانش‌آموز با معلم، دانشجو با استاد، دولت با ملت. طبیعی است که این‌گونه روابط اجتماعی، همیشه میان هم‌جنس (زن با زن، مرد با مرد) اتفاق نمی‌افتد. در بسیاری از این موارد، رابطه دو جنس مخالف (زن و مرد) نیز حتمی و قهری است. به‌طور قطع، رابطه دو جنس مخالف را در دایره روابط محارم با یکدیگر نیز نمی‌توان منحصر دانست؛ زیرا انواع روابط میان دو جنس مخالف در میان اقوام و خویشاوندان، رفت‌وآمدهای فAMILI و نیز در سطح جامعه صورت می‌گیرد. توسعه شهرنشینی و گسترش مناسبات اجتماعی و اقتصادی موجب شده است که امروزه برخلاف گذشته، زن در عرصه جامعه حضور گسترده‌ای داشته باشد. این حضور در همه اماکن عمومی و خصوصی مانند کلاس درس و محل کار مشهود است و فقط محدود به داشتن رابطه با محارم نمی‌شود. از این رو، مسئله خلوت زن و مرد نامحرم از مسائل مورد ابتلاست که باید دیدگاه اسلام در این زمینه روشن شود. با عنایت به اینکه اسلام دین جامع، جهانی و پاسخ‌گوی نیازهاست و در آموزه‌های خود از مقتضیات زمانه نیز غافل نیست به‌طور حتم،

دیدگاه واقع‌بینانه و منصفانه‌ای در این موضوع مانند همه موضوعات دیگر دارد که برای نسل امروز با وجود اینکه سعادت‌آفرین است راهگشا و هدایتگر نیز است.

## ۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت از نوع تحقیقات بنیادی است. اطلاعات و مواد اولیه تحقیق بنیادی به صورت نظری و به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود و سپس به روش‌های مختلف استدلال و تجزیه و تحلیل عقلانی و سپس نتیجه‌گیری می‌شود. با توجه به راهبرد پژوهش، تحقیقاتی از این دست که از یک طرف با منابع و متون اسلامی سروکار دارند و از طرف دیگر جنبه تطبیقی با تحقیقات جدید دارند روش تحقیق اسنادی محسوب می‌شوند که با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی، متون دینی و منابع روان‌شناختی در فضای کتابخانه‌ای بررسی می‌شوند. از این شیوه گاه به روش تحلیل متن<sup>۱</sup> نیز یاد می‌شود. رویکرد حاکم بر روش توصیفی-تحلیلی در متون دینی، رویکرد اجتهادی است و آن عبارت است از: کوشش علمی براساس منابع معتبر (قرآن، احادیث و عقل قطعی) به واسطه ابزار و عناصر لازم برای تفهم، اکتشاف و استخراج مطلق آموزه‌های دینی به گونه‌ای که اعتبار (حجیت، منجزیت و معذرت) داشته باشد. فرایند اجتهاد در صورت برخورداری مجتهد از آمادگی‌های لازم با موضوع‌شناسی شروع شده و با مراجعه به منابع و ادله کشف حکم مانند آیات و روایات و کشف تعارض یا تداخل آنها مشخص شود و سپس مراد جدی شارع را در صورت یک قیاس منطقی سامان بدهد و استنتاج را عرضه کند.

## ۳. مفهوم‌شناسی

### ۳-۱. نامحرم

نامحرم به هرکسی گفته می‌شود که ارتباط نسبی (خونی)، سببی (عقد شرعی) یا رضاعی (از راه شیر دادن) با او ایجاد نشده و نگاه به او محدود شده باشد. (موسوی خمینی، ۱۳۶۳، ۲/۲۶۲؛

۱. Textual Interpretation.

بنی هاشمی خمینی و اصولی، ۱۳۹۴، ۲۳۸۰ - ۲۳۸۶) در نتیجه مواردی مانند همسر برادر، فرزندان عمو، نامزد قبل از عقد و مانند آنها نامحرم بوده و حکم خلوت با ایشان مورد بحث است.

### ۳-۲. خلوت

خلوت در لغت از خلا المکان گرفته شده و به معنای جایی است که در آن کسی یا چیزی نباشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۳۷/۱۴) چه طرف مقابل یک نفر باشد یا جمعی باشند مانند خلوت با اجتماع نامطلوب. قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ» (بقره: ۱۴). در اینجا خلوت فرد با شیاطین با مانعی از طرف مؤمنین مواجه نیست. در اصطلاح فقه، خلوت به معنای تنها شدن مرد با همسرش است به طوری که مانعی از نزدیکی نباشد چه مانع عقلی مانند حضور یک فرد، چه شرعی مانند حائض بودن یا حضور در مسجد و... (ابوجیب، ۱۴۰۸، ص ۱۲۲). منظور از خلوت در این موضوع، خلوت با نامحرم است به طوری که مانعی برای نزدیکی یا فعل حرام نباشد مانند اینکه درها را قفل کنند یا پرده بیااندازند یا جایی که کسی حضور ندارد تا آنها را از فعل حرام بازدارد (عاملی، ۱۴۱۳، ص ۸۱). فقها بر این تعریف نکاتی مطرح کرده‌اند که محدوده خلوت را به شکل بهتری تبیین می‌کند:

- حکم خلوت در تمام مواردی که دسترسی، حضور یا نظارت دیگران ممکن نباشد، جاری است مانند اینکه افراد در منزل شخصی جمع شوند و درها نیز بسته باشد یا منزل یا محل مسکونی یا اداری، حمام یا دستشویی داشته باشد<sup>۱</sup> (که باعث ایجاد خلوت می‌شود)، اتاقی که با پرده و مانند آن، دو قسمت شده است، منطقه‌ای دورافتاده یا دور از منظر عمومی باشد یا شکل ساختمان به گونه‌ای باشد که باعث خلوت می‌شود مثل راهروها، آسانسور و مانند آن نیز

۱. شهید ثانی می‌نویسد: «فلو كانت مرافق حجرتها - كالمطبخ و المستراح و البئر و المرقى الى السطح - متحدة في الدار لم يجز بدون الثالث، لأن التوارد على المرافق يفضي الى الخلوة».

شامل حکم خلوت می‌شوند (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۳۲۵/۹؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۹؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۴۴/۳۲)؛

- جمعی از علما قائل هستند که با وجود فرد سوم، احکام حرمت خلوت برداشته می‌شود. فرد سوم می‌تواند مَحْرَم یکی از آن دو و یا زن، مرد و یا حتی کودک ممیزی باشد که حضور چنین فردی آنها را از ارتکاب حرام بازدارد. (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۳۲۵/۹) به نظر می‌رسد این فرع از روایتی که در کافی در باب زن و شوهر مَحْرَم که مجاز به نزدیکی نیستند برداشت شده است (کلینی، ۱۴۱۴، ۳۷۳/۴). بیشتر فقها به ویژه متأخرین بر لزوم همراه داشتن فرد سوم و بازدارنده بودن او برای پرهیز از خلوت تشکیک کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۴۴/۳۲؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۱۷، ص ۱۸۱)؛  
- برخی معتقدند که خلوت یک زن با چند مرد نیز ملحق به حکم خلوت است برخلاف خلوت چند زن با یک مرد؛ زیرا حیای زن از مرد بیشتر است، ولی بیشتر فقها بر این نظر اشکال گرفته‌اند<sup>۱</sup> و حکم خلوت را محدود به تعداد ندانسته‌اند (سیدبحرانی، ۱۴۲۹، ۲۸۷/۱)؛

- چنانچه هردو یا یکی از آنها علم به وقوع حرام ندارند به نظر بیشتر علما خلوت مذکور مشکلی ندارد هرچند برخی از فقها مانند علامه حلی در قواعد و شهیدثانی در مسالک، به طور مطلق حکم به حرمت چنین خلوتی دادند؛ زیرا خلوت را علت و سبب وقوع در حرام دانسته‌اند (سیفی مازندرانی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۹)؛

- جایی که زن یا مرد و یا هردو قطع به وقوع در حرام دارند از باب مقدمه یا مقدمه قریبه حرام یا قاعده حرمت ریه، خلوت مذکور حرام است و نیاز به استدلال به آیه و روایت در مورد خلوت ندارد چه وقوع در حرام، حکمت یا علت حکم باشد در نتیجه از موضوع بحث خارج است (سیدبحرانی، ۱۴۲۹، ۲۸۷/۱؛ خوبی، ۱۴۱۳، ۲۱۸/۱)؛

۱. سیدبحرانی می‌نویسد: «والحق بعضهم بخلوة الرجل بالمرأة خلوة الاثنتين فصاعداً بها دون خلوة الواحد بنسوة و فرقا بين الأمرين، بأن استحياء المرأة من المرأة أكثر من استحياء الرجل من الرجل، ولا يخلو ذلك من نظر».

- چنانچه فقیهی قائل به کراهت شود هرچه حضور و نظارت بازدارنده دیگران کمتر باشد کراهت شدیدتر می شود و در موارد وقوع در حرام، پیشگیری از حرام و دور شدن از چنین محلی باید با اهتمام بیشتری صورت بگیرد (سیدبحرانی، ۱۴۲۹، ۲۸۷/۱)؛

- باتوجه به شرایط فوق جایی که حضور یا نظارت بازدارنده دیگران وجود دارد مانند کوجه‌ها و محل کار که محل آمدوشد است خلوت صدق نمی کند و از محل بحث بیرون است. مناسب ترین تعریف از خلوت و آنچه تحقیق حاضر از خلوت اراده می کند عبارت است از: «خلوت یک یا چند زن و مرد نامحرم با دیگری در مکانی که حضور یا نظارت بازدارنده دیگران وجود ندارد و فرد یا افراد از ارتکاب به حرام ترسی نداشته باشند».

### ۳-۳. علت یا حکمت

از نوشتار برخی فقها مانند شهیدثانی برداشت می شود که خلوت زن و مرد را علت وقوع در حرام می دانند. از این رو، این مسئله را حرام دانسته اند<sup>۱</sup>. (شهیدثانی، ۱۴۱۵، ۷۲/۱۲) محقق ثانی و علامه حلی خلوت را از مصادیق وقوع در مفسده و موضع تهمت دانسته<sup>۲</sup> و به این روایت استناد کرده اند: «أتت الخثعمیة الی النبی ﷺ بمنی فی حجة الوداع لنستفتیه فی الحج، و کان الفضل بن العباس ردیف رسول الله ﷺ فأخذ ینظر الیهما و تنظر الیه، فصرف النبی ﷺ وجه الفضل عنها، و قال رجل شاب و امرأة شابة فخشیت أن یدخل بینهما الشیطان» (محقق ثانی، ۱۴۱۴، ۳۹/۱۲)؛ علامه حلی، ۱۳۸۸، ص ۵۷۳). از استدلال ایشان به این روایت برداشت می شود که این گروه از فقها صرف حضور زن و مرد نامحرم در مکان خلوت را علت برای وقوع در مفسده می دانند چنان که روی برگرداندن پیامبر ﷺ همراه با تعلیلی که حضرت آورده است برای جلوگیری از

۱. «المعتبر فی التحريم إسکاء کثیره فیحرم قلیله حسماً لمادّة الفساد، كما حرم الخلوّة بالأجنبيّة لإفضائها إلیه».

۲. «و قال العلامة فی الذکره فی وجه حرمة النظر إلی الأجنبيّة: «لأنّ النظر الیهن مظنة الفتنة، و هی محل الشهوة فاللائق بحاسن الشرع حسم الباب و الاعراض عن تفاصيل الأحوال، كالخلوة بالأجنبيّة».

وقوع در مفسده بود. در نتیجه این خلوت از نظر شرع جایز نیست. در مقابل، جواب دادند: «صرف خلوت زن و مرد نامحرم موجب وقوع در مفسده نیست. هر خلوتی منجر به فعل حرام نمی‌شود و خلوت علیتی برای این امر ندارد. علاوه بر اینکه حرمت وقوع در مفسده یا شهوت‌انگیز بودن<sup>۱</sup> شاید به این دلیل باشد که از مقدمات (تامه) زناست. در نتیجه صرف خلوت نمی‌تواند موضوع حرمت باشد» (روحانی، ۱۴۱۵، ۲۱۲/۱۴). حدیث نبوی فوق نیز از منابع اهل سنت است. همچنین اگر این امر حرام می‌بود پیامبر ﷺ از ابتدای امر آنها را از نگاه کردن به یکدیگر باز می‌داشت.

برخی دیگر از قائلین به حرمت خلوت با توجه به قیاس اولویت و برداشت از فحوای کلام روایاتی مانند حرمت نگاه به نامحرم، خلوت با نامحرم و... ملاک حکم را تهییج شهوت می‌دانند و هر جا این ملاک باشد علیت ثابت شده و موجب حکم به حرمت می‌شود. (بیزدی، ۱۴۲۱، ۱۷/۱؛ توپسرکانی، ۱۴۱۸، ص ۲۴) در جواب گفته شده است که حکم خلوت نظر تبعیدی است و نمی‌توان از راه تحصیل ملاک حکم کرد؛ زیرا تنها در عبادات محض، ملاک وجود دارد و در غیر آنها مانند اینجا، راهی برای تحصیل ملاک نیست (منتظری، ۱۴۱۵، ۵۲۹/۲). بیان شهوت‌انگیز بودن این امور و اینکه شیطان در کمین است از باب بیان حکمت است نه بیان علت (روحانی، ۱۴۱۵، ۲۱۳/۱۴).

#### ۴. بررسی روایات حرمت خلوت

##### ۴-۱. گروه اول

«رَوَى عَنْ مُحَمَّدِ الطَّيَّارِ قَالَ دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ وَ طَلَبْتُ بَيْتًا أَتَكَارَاهُ فَدَخَلْتُ دَارًا فِيهَا بَيْتَانِ بَيْنَهُمَا بَابٌ وَ فِيهِ امْرَأَةٌ فَقَالَتْ تُكَارَى هَذَا الْبَيْتَ قُلْتُ بَيْنَهُمَا بَابٌ وَ أَنَا شَابٌّ قَالَتْ أَنَا أُغْلِقُ الْبَابَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ فَحَوَّلْتُ مَتَاعِي فِيهِ وَ قُلْتُ لَهَا أَغْلِقِي الْبَابَ فَقَالَتْ تَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ الرُّوحُ دَعُهُ فَقُلْتُ لَا أَنَا

۱. تهییج القوة الشهوية

شَابٌ وَأَنْتِ شَابَةٌ أَعْلَيْهِ قَالَتْ افْعُدْ أَنْتِ فِي بَيْتِكَ فَلَسْتُ أَيْتِكَ وَلَا أَفْرُبُكَ وَأَبْتُ أَنْ تُغْلِقَهُ فَأَتَيْتُ أَبَاعِبِدَاللَّهِ عليه السلام فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ تَحَوَّلْ مِنْهُ فَإِنَّ الرَّجُلَ وَالْمَرْأَةَ إِذَا خَلِيَا فِي بَيْتٍ كَانَ ثَالِثَهُمَا الشَّيْطَانُ؛ محمد طیار گوید: وارد مدینه شدم و منزلی می طلبیدم تا اجاره کنم. به خانه ای وارد شدم که دارای دو اتاق بود و دری میان آن دو قرار داشت و در یکی از آنها زنی زندگی می کرد. آن زن به من گفت: این اتاق را اجاره کن، گفتم: این دو اتاق به هم راه دارد و من جوان هستم تو نیز جوانی و صلاح نیست، گفت: تو اجاره کن من در را می بندم، من پذیرفتم و متاعم را به آنجا بردم و بدو گفتم: در را ببند، گفت: از اینجا نسیم می آید، بگذار باز باشد. گفتم: من و تو هردو جوان هستیم در را ببند. گفت: تو در اتاقت بنشین و من در اتاق خود، نزد تو نمی آیم و به تو نزدیک نمی شوم و از بستن در سر باز زد. من خدمت امام صادق عليه السلام رسیدم و ماجرا را عرض کردم و پرسیدم می توانم آنجا بمانم. فرمود: از آنجا به جای دیگر برو؛ زیرا هیچ مرد و زنی در مکانی خلوت نکنند مگر آنکه شیطان سومی آنها باشد». (صدوق، ۱۴۱۳، ۲/۲۵۲)

- دلالت روایت بر مطلب: امام عليه السلام در مورد این محل که فرد دیگری نمی تواند بر مکان شخصی اجاره شده وارد شود امر به خروج می دهد. هرچند این مطلب موضوعی شخصیه است، ولی امام عليه السلام باتوجه به خصوصیت معینی در این داستان، امر به خروج می دهد که این خصوصیت (یعنی، خلوت با نامحرم) قابل برداشت است. همچنین امام عليه السلام از این امر تعلیل می آورد به اینکه خلوت این چنینی موجب حضور شیطان است و از این تعلیل سه نکته برداشت می شود: الف) مورد روایت مخصص نیست و خلوت اینچنینی حرام است؛ ب) تعبیر به: «خلوه الرجل والمرأه» نشان می دهد این حکم اختصاص به جوانان ندارد؛ ج) امام عليه السلام هر خلوتی به این صورت را همراه با شیطان دانسته که نشان می دهد این خلوت ها همراه با وقوع حرام هستند. بنابراین، موضوع حرمت را بر خلوت برده است؛ یعنی با تحقق خلوت، حرمت فعلیت می یابد. در نتیجه خوف از وقوع در فساد از قبیل حکمت برای حکم است نه اینکه علت برای آن باشد.

هرچند این روایت از کتاب من لایحضره الفقیه از کتب چهارگانه معتبر نزد شیعه مطرح شده است، اما از نظر سندی، سلسله راویان آن حذف شده‌اند. به همین دلیل جزو روایات ضعیفه است. (سیفی مازندرانی، ۱۴۱۷، ص ۱۸۴)

#### ۴-۲. گروه دوم

«أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى النِّسَاءِ أَنْ لَا يَنْحَنَ وَلَا يَخْمَشَنَّ وَلَا يَقْعُدَنَّ مَعَ الرِّجَالِ فِي الْخَلَاءِ».

(حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۸۶/۲۰) در این روایات، حضرت از تنها بودن زن با مرد نامحرم نهی می‌کند و اگر کسی اشکال کند که برخی از فقرات این روایت نهی تحریمی نیستند؛ زیرا سیره قطعیه، عدم حرمت آنها را می‌رساند، گفته می‌شود اینکه برخی از قسمت‌های روایت بر نهی مولوی دلالت ندارند، دلیل بر مولوی نبودن قسمت‌های دیگر نمی‌شود (سیفی مازندرانی، ۱۴۱۷، ص ۱۸۶)، اما بر این استدلال اشکال شده به اینکه: الف) الخلاء در روایت یعنی، دستشویی و این روایات اشاره به سنت جاهلی دارد که زنان با مردان برای قضای حاجت مکان واحدی را به نام بیت الخلاء تدارک می‌دیدند و رسول اکرم ﷺ بر آنها بیعت گرفتند که این کار را ترک کنند. شاهد بر این مطلب استفاده از عبارت: «لَا يَقْعُدَنَّ» در کلام حضرت است. شاهد دیگر اینکه در این روایت خلوت را به شکل مطلق حرام کرده که شامل محارم و غیرمحارم می‌شود درحالی که خلوت با محارم اشکالی ندارد. درنتیجه روایت ناظر به موضوع این تحقیق نیست؛ ب) این گروه از روایات از نظر سندی ضعیف هستند و حتی کسانی که به این روایات استدلال کرده‌اند نیز به این مطلب اقرار دارند» (خویی، ۱۴۱۳، ۲۱۷/۱؛ روحانی، ۱۴۱۵، ۲۱۳/۱۴).

#### ۴-۳. گروه سوم

شیخ حرعاملی در باب: «عَدَمِ جَوَازِ خَلْوَةِ الرَّجُلِ بِالْمَرْأَةِ الْأَجْنَبِيَّةِ وَاحْتِبَاءِ الْمَرْأَةِ» به این روایات استدلال کرده بر اینکه خلوت زن و مرد نامحرم جایز نیست. «مُحَمَّدٌ بُنُّ الْحَسَنِ فِي الْمَجَالِسِ وَالْأَخْبَارِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ خَالِهِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ قُؤْلُوبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَلْفِ بْنِ حَلْفِ بْنِ مُوسَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ

رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَبِثُّ فِي مَوْضِعٍ يَشْمَعُ نَفْسَ امْرَأَةٍ لَيْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۸۵/۲۰) در روایت امالی طوسی به جای «یبیت» عبارت «یلبث» آمده است. در این روایت از اینکه مرد، شب در اتاقی باشد که صدای نفس زن را بشنود نهی شده است. رابطه این روایت با موضوع این تحقیق یعنی، خلوت با نامحرم به شکلی که کسی نتواند بر آنها وارد شود رابطه عام و خاص من وجه است. در نتیجه روایت ناظر بر این موضوع نیست. نهی در این روایت ممکن است ناظر به مقدمه شدن این امر برای زنا باشد (خویی، ۱۴۱۳/۱، ۲۱۸).

#### ۴-۴. گروه چهارم

از این گروه از روایات برداشت می شود که خلوت با نامحرم همراهی شیطان را به دنبال دارد که به معنی وقوع در حرام است. در نتیجه این امر حرام است. «قَالَ إِبْلِيسُ أُوصِيكَ بِثَلَاثِ خِصَالٍ يَا مُوسَى لَا تَخُلْ بِامْرَأَةٍ وَلَا تَخُلْ بِكَ فَإِنَّهُ لَا يَخْلُو رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ وَلَا تَخْلُو بِهِ إِلَّا كُنْتَ صَاحِبَهُ دُونَ أَصْحَابِي» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۵۷). «قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ خَالِدٍ الْمَرَاغِي قَالَ حَدَّثَنَا ثَوَابَةُ بْنُ يَزِيدَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْمُتَنِّي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُتَنِّي عَنْ سَبَابَةَ بْنِ سَوَّارٍ قَالَ حَدَّثَنِي الْمُبَارَكُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ خَلِيلِ الْفَرَّاءِ عَنْ أَبِي الْمَجْبَرِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْبَعٌ مَفْسَدَةٌ لِلْقُلُوبِ الْخَلْوَةُ بِالنِّسَاءِ وَالِاسْتِمَاعُ مِنْهُنَّ وَالْأَخْذُ بِرَأْيِهِنَّ وَ» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۱۵). این دسته از روایات نیز ظهور در حرمت خلوت با نامحرم ندارند؛ زیرا از اینها برداشت می شود کسی که با زن نامحرم خلوت کند از زنا و شیطان مصون نخواهد بود و این ملازم با حرمت خلوت زن و مرد نامحرم نیست، بلکه امور دیگری نیز موجب زنا می شوند. اگر ملاک همین باشد باید همه آنها حرام می بودند که چنین نیست (روحانی، ۱۴۱۲، ۱۴/۲۱۳).

#### ۴-۵. گروه پنجم

روایات باب: «تَحْرِيمِ خَلْوَةِ الرَّجُلِ بِالْمَرْأَةِ الْأَجْنَبِيَّةِ تَحْتَ لِحَافٍ وَاحِدٍ أَوْ بَيْتٍ وَاحِدٍ». استدلال به مجموع روایات: «هرچند در این موضوع سند روایات ضعیف هستند و دلالت آنها بر مطلب

ناقص است، ولی نمی‌توان از آنها باتوجه به تعداد زیاد آنها و تأکیدی که در آنهاست چشم‌پوشی کرد. از مجموع آنها می‌توان گفت به احتیاط واجب باید از چنین خلوتی پرهیز کرد» (سیفی‌مازندرانی، ۱۴۱۷، ص ۱۸۶). برخی محققین از تک‌تک روایات بحث نکرده‌اند، بلکه درنهایت و به شکل مختصر گفته‌اند: «علاوه بر ضعف سند این روایات، دلالت آنها بر مطلوب نیز ضعیف است؛ زیرا نهی در این روایات ارشاد به محافظت از وقوع حرام‌هایی مانند زناست و دلالتی بر حرمت مولوی خلوت با زن نامحرم ندارند، بلکه از آنها کراهت این امر برداشت می‌شود» (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۲/۳۴۴؛ خوانساری، ۱۳۵۵، ۷/۴۵). باتوجه به ضعف سند یا دلالت، فقها این موضوع را در جایگاه خود یعنی، در بحث نکاح نیاورده‌اند، بلکه این موضوع در مسکن زن در زمان عده طلاق رجعی آمده است» (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۲/۳۴۴).

#### ۵. ادله عدم حرمت خلوت

آیات و روایات درباره خلوت بین نامحرم که موضوع شایعی بوده است، ساکت نبوده‌اند. براساس این دسته از مستندات رابطه‌ای که همراه با امر حرامی نباشد، مجاز است مانند آیه: «وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْرِزُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ؛ و گناهی بر شما نیست که با کنایه به خواستگاری آن زنان روید و یا نیت ازدواج با آنها را در دل بگذرانید. خدا می‌داند که شما یادشان خواهید کرد، ولی با آنها در خلوت قرار ملاقات نگذارید، مگر آنکه حرفی شایسته بزنید و تا عده آنها به پایان نرسیده عزم بر ازدواج با آنها ننمایید» (بقره: ۲۳۵). صاحب جواهر این آیه را به دو صورت معنا می‌کند: اول اینکه، مقصود از سر، همان الفاظ مستهجنه است و سر به معنای جماع اطلاق شده است و قول معروف، قولی است که مشتمل بر این محرمات نباشد. با این معنا استثنای منقطع خواهد بود و کلمه «الّا» در آن به معنای «لکن» می‌شود.

معنای دوم این است که مراد از سر، خلوت باشد و قرآن می‌فرماید: «وعدۀ خلوت کردن با زن ممنوع است مگر اینکه این وعدۀ خلوت کردن برای صحبت‌های پسندیده و بدون قصد التذاذ باشد و با قول معروف باشد. در این صورت جایز است و با این معنا، استثنای متصل می‌شود». (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ۵۸۹۲/۱۸) هرچند این آیه دلالت بر جواز صحبت معروف با زن بیگانه را دارد، ولی در موضوع این تحقیق، منظور خلوت به شکلی است که کسی نتواند بر آنها وارد شود را شامل نمی‌شود. در نتیجه آیه از محل بحث بیرون است.

### ۵-۱. ادله روایی

فقها به دلیل وجود روایات جواز صحبت غیرحرام با زن در ایام حج و غیر آن، حکم به جواز این امر داده‌اند. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۴۴/۳۲، روحانی، ۱۴۱۲، ۲۱۴/۱۴) در برخی از این روایات در بیان وجه جواز خلوت آمده است: «المؤمن ولی المؤمنة» مانند صحیحۀ صفوان الجمال قال: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَدْ عَرَفْتَنِي بِعَمَلِي تَأْتِينِي الْمَرْأَةُ أَعْرِفُهَا بِإِسْلَامِهَا وَحُجَّتِهَا إِيَّاكُمْ وَوَلَايَتِهَا لَكُمْ، لَيْسَ لَهَا مَحْرَمٌ قَالَ: إِذَا جَاءَتِ الْمَرْأَةُ الْمُسْلِمَةَ فَاحْمِلْهَا فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ مَحْرَمٌ الْمُؤْمِنَةَ ثُمَّ تَلَى هَذِهِ الْآيَةَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (صدوق، ۱۴۱۳، ۴۳۹/۲، حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۵۳/۱۱). «معتبره ابی بصیر عن ابی عبدالله عليه السلام قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ بِغَيْرِ وِلِيِّهَا، فَقَالَ: إِنْ كَانَتْ مَأْمُونَةً تَحُجُّ مَعَ أُخِيهَا الْمُسْلِمِ». صحیحۀ عبدالرحمن بن الحجاج عن ابی عبدالله عليه السلام: «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ بِغَيْرِ مَحْرَمٍ. فَقَالَ عليه السلام: إِذَا كَانَتْ مَأْمُونَةً وَ لَمْ تَقْدِرْ عَلَى مَحْرَمٍ فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۵۴/۱۱).

اشکال: اطلاق این روایات شامل به جای آوردن حج همراه با گروه و همچنین فرض خلوت نیز می‌شود، اما با گروه مؤمنین صورت می‌گیرد به‌ویژه در زمان سابق که مسافرت‌ها گروهی بود. در نتیجه نمی‌توان به اطلاق این روایات تمسک کرد. علاوه بر این، در مسافرت حج خلوت به معنای اصطلاحی فوق که کسی نتواند بر آنها وارد شود روی نمی‌داده؛ زیرا درمنظر مردم بوده است. (سیفی مازندرانی، ۱۴۱۷، ص ۱۸۲) عبارت: «فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ مَحْرَمٌ الْمُؤْمِنَةَ» در روایت اول

به معنای محرم فقهی نیست؛ زیرا خلاف ظاهر قرآن و ضروری دین است، بلکه به معنای اعتماد و ایمان به مؤمن است؛ زیرا مؤمن خیانت نمی‌کند. هرچند در روایات اجازه مسافرت تنهایی به زن داده شده است، اما در این روایات قید شده که زن با گروه مؤمنین سفر می‌کند: «موثقة معاوية بن عمار قال سألتُ أبا عبد الله عليه السلام عن المرأة تُحجُّ إلى مكة بِغَيْرِ وِلي. فقال عليه السلام: لا بأسَ تَخْرُجُ مَعَ قَوْمٍ ثِقَاتٍ». «معتبره الحسن بن علوان عن جعفر بن محمد عن أبيه عليه السلام أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام كَانَ يَقُولُ: لا بأسَ أَنْ تُحجَّ الْمَرْأَةُ الصَّرُورَةَ مَعَ قَوْمٍ صَالِحِينَ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهَا مَحْرَمٌ وَلا زَوْجٌ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۱/۱۵۴).

#### ۵-۲. شهرت فتوایی

صاحب جواهر می‌فرماید: «حکم به حرمت خلوت با زن نامحرم شهرت فتوایی ندارد». علامه مجلسی نیز ادعای عدم شهرت دارد (روحانی، ۱۴۱۲، ۲۱۳/۱۴). برخی ادعای شهرت فتوایی دارند بر اینکه خلوت زن و مرد نامحرم حرام است مانند شهیدثانی در مسالک (سیفی‌مازندرانی، ۱۴۱۷، ص ۱۸۳).

#### ۵-۳. سیره متشرعه

صاحب جواهر می‌نویسد: «خلوت با نامحرم، زیاد اتفاق می‌افتد و جزو سیره قطعیه است که مؤمنین به یکدیگر اعتماد دارند» (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۴۵/۳۲)، اما جواب داده شده است به اینکه: «اگر این سیره بر حرمت خلوت بین زن و مرد نامحرم استقرار نیافته است دست‌کم بر جواز خلوت نیز استقرار نیافته است و نمی‌توان حکم به حرمت این موضوع داد» (سیفی‌مازندرانی، ۱۴۱۷، ص ۱۸۳).

۱. أمثال هذه الدعاوي لا تورث الفقيه الماهر ظنا بمثل هذا الحكم العام البلوى الذي تنافيه السيرة القطعية، بل و جملة من النصوص الدالة على صحبة غير المحرم في طريق الحج و غيره، لأن المؤمن ولى المؤمنة و غير ذلك، والله العالم.

## ۶. نظر مراجع شیعه پیرامون حکم انواع خلوت با نامحرم

### ۶-۱. قائلین به کراهت و نه حرمت خلوت

این گروه از فقها باتوجه به تمام نبودن ادله حرمت خلوت، علت نبودن خلوت برای فعل حرام، مستقر نبودن سیره متشرعه قائل به کراهت وقوع خلوت هستند. آیات عظام خویی، شبیری زنجانی، سیستانی، تبریزی و فاضل: «اگر کسی نمی تواند وارد آن مکان شود در صورتی که احتمال فساد برود، ماندنشان در آنجا حرام است، ولی اگر طوری باشد که کس دیگر بتواند وارد شود یا بچه ای که خوب و بد را می فهمد در آنجا باشد یا احتمال فساد نرود، اشکال ندارد». (بنی هاشمی خمینی و اصولی، ۱۳۹۴، م ۲۴۴۵) آیات عظام امام، خامنه ای و نوری: «اگر کسی نمی تواند وارد آن مکان شود و آنان بترسند که به حرام بیفتند ماندنشان در آنجا حرام است» (بنی هاشمی خمینی و اصولی، ۱۳۹۴، م ۲۴۴۵) آیات عظام بهجت، سیستانی و وحید: «اگر احتمال فساد برود، ماندن آنها در آنجا حرام است، هر چند طوری باشد که کس دیگر بتواند وارد شود» (بنی هاشمی خمینی و اصولی، ۱۳۹۴، م ۲۴۴۵).

علمای گذشته نیز برخی قائل به کراهت هستند مانند آیات عظام نجفی (۱۴۰۴، ۳۲/۳۴۴)، خویی (۱۴۱۳، ۱/۲۱۸)، سیدبحرانی (۱۴۲۹، ۱/۲۸۷) و مانند ایشان. به نظر این مراجع، هر جا که خلوت صدق کند یعنی، یک یا چند زن و مرد نامحرم در مکانی باشند که در حضور یا نظارت کسی نیست در صورتی حرام است که احتمال یا خوف حرام و فساد داشته باشد. در نتیجه خلوت در نظر ایشان حرام نیست، بلکه به واسطه روایات ناهیه، تنها کراهت دارند. آنچه موجب شکل گیری حرمت می شود موضوع دیگری است مانند اینکه این خلوت باعث نگاه، کلام یا لمس حرام شود یا ضرر شخصی به دنبال داشته باشد مانند متهم شدن، ضرر مالی یا فشار روانی و... که موجب حرمت چنین خلوتی می شود. مکان هایی مانند منزل شخصی، منازل یا هتل هایی که آشپزخانه، حمام و دستشویی مشترک دارند و باعث خلوت می شوند، محل کاری که خلوت صدق می کند، وسایل نقلیه که شکل خصوصی می گیرند، آسانسور، جنگل و صحرای دورافتاده، راهروهای خلوت و مانند اینها همگی این حکم را دارند. مکان هایی که عمومی

به حساب می‌آیند مانند محل کار، مطب، وسایل نقلیه عمومی، کوچه‌ها و مانند اینها که درمنظر عموم مردم هستند یا احتمال آمدوشد یا نظارت بازدارنده مردم در آنجا می‌رود مکان‌های عمومی هستند و به نظر همه فقها حضور در چنین مکان‌هایی حرمت یا کراهت ندارد مگر اینکه حکم عمومی فساد، ریه یا حرام از عنوان دیگری در آنها شکل بگیرد (بنی هاشمی خمینی و اصولی، ۱۳۹۴، م ۲۴۴۵)

#### ۶-۲. قائلین به حرمت یا احتیاط واجب

این دسته از فقها باتوجه به روایات ناهیه، علت بودن خلوت برای حرمت، سیره متشرعه و موضع تهمت بودن حکم به حرمت خلوت می‌دهند و مشغول شدن به هرگونه عبادتی را نیز موجب برطرف شدن حرمت نمی‌دانند. آیت‌الله صافی: «اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود مانند اینکه درب اتاق بسته باشد که به طور متعارف امکان ورود برای شخص ثالث نباشد، ماندن آنان در آنجا حرام است، هرچند احتمال فساد ندهند یا به گفت‌وگوهای علمی و ضروری مانند آن بپردازند». آیت‌الله مکارم می‌نویسد: «اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود، بنابر احتیاط واجب ماندن آنان در آنجا حرام است، هرچند احتمال فساد ندهند و به گفت‌وگوهای علمی و ضروری و مانند آن بپردازند» (بنی هاشمی خمینی و اصولی، ۱۳۹۴، م ۲۴۴۵). آیت‌الله مکارم آسانسور را از مصادیق خلوت نمی‌داند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ۲۵۴/۲). برخی از علمای گذشته نیز خلوت را به طور مطلق چه احتمال و ترس از حرام بدهند یا ندهند حرام دانستند مانند شهید ثانی (۱۴۱۳، ۳۲۴/۹)، علامه حلی (۱۳۸۸، ص ۵۷۳). برخی دیگر از فقها صرف حضور زن و مرد در مکان خلوت را حرام دانسته مگر اینکه ضرورت، آنها را مجبور کند مانند نیاز به مراجعه به پزشک، نیاز به وسیله نقلیه، آسانسور و مانند آن.

#### ۷. دیدگاه و روایات اهل سنت در موضوع خلوت با نامحرم

در منابع اهل سنت خلوت یک زن نامحرم با یک مرد نامحرم به اتفاق، به طور مطلق حرام است چه ترس از فتنه داشته باشند یا بر خود مطمئن باشند، چه عادل و موثق باشند یا نه. شواهد

زیر از منابع اهل سنت در حرمت خلوت مذکور با نامحرم صراحت دارند و برای بیرون آمدن از حرمت، خروج از مکان یا حضور فرد مورد اعتماد ضروری است. از این رو، بر حرمت خلوت با نامحرم نزد اهل سنت اجماع است. (ابن قیم جوزی، ۱۴۱۱، ۳۳۸/۴؛ الشربینی، ۱۴۲۵، ۱۲۱/۲) در این منابع با استدلال قیاس به حرمت زنا و نگاه حرام، حرمت مقدمات وقوع در حرام و خلوت با نامحرم نیز حرمت پیدا می‌کنند.

#### ۷-۱. مهمترین ادله حرمت خلوت با نامحرم

«وَلَا تَقْرَبُوا الزَّيْنَاتِ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا؛ وقتی امری حرام شد طرق رسیدن به آن هم حرام است. خلوت یکی از مصادیق نزدیکی و تقرب است در نتیجه فاحشه به شمار آمده و حرام است». (اسراء: ۳۲) «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أُنْبُسَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَ مِنْ أُنْبُسُرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (نور: ۳۰ و ۳۱). در این آیه واجب شده است تا بر نامحرم غض بصر داشته باشند تا در حرام نیافتند. خلوت با نامحرم به شیوه اولی، موجب وقوع در مفسده می‌شود. بنابراین، حرام است (محمد عاشور و حامد الحولی، ۲۰۰۷). «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (الاحزاب: ۵۳). در این آیه خداوند ارتباط بین زن و مرد را مدیریت کرده و فرموده است چنین ارتباط‌هایی باید غیرمستقیم و با وجود حائل‌هایی باشد. (شحاته، ۲۰۱۱، ۱۷۲/۱). «عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ إِيَّاكُمْ وَالذُّخُولَ عَلَى النِّسَاءِ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفَرَأَيْتَ الْحَمُوَ قَالَ الْحَمُوُ الْمَوْتُ». منظور از «حمو» در اینجا برادر زوج است یا فرد غریبه نامحرم (بخاری، ۱۴۱۰). نووی در شرح این حدیث آورده است: «حمو در این حدیث شامل باقی مردان فامیل نیز می‌شود و از آنجا که در ارتباط او با زن تساهل صورت می‌گیرد و انکار او نیز پذیرفتنی است طبق روایت ترس از جانب ایشان نیز بیشتر است» (نووی، ۲۰۰۱، ۳۲۹۴/۸). عادت عرب بر این بوده اموری که مفسده داشته را به مرگ تشبیه می‌کردند. برای مثال «الأسد الموت، والحرب الموت»؛ زیرا نزدیکی به آنها مساوی با مرگ بوده

است. در این روایت نیز خلوت زن با مردان نزدیک فامیل نیز به مرگ یعنی، مرگ دین تعبیر شده است تا مبالغه در حرمت را برساند (عسقلانی، ۱۹۸۷، ۲۴۳/۹).

«حدثنا علي بن عبدالله حدثنا سفیان حدثنا عمرو عن أبي معبد عن ابن عباس عن النَّبِيِّ ﷺ قَالَ لَا يَخْلُونَ رَجُلًا بِامْرَأَةٍ إِلَّا مَعَ ذِي مَحْرَمٍ فقام رجل فقال يا رسول الله امرأتی خرجت حاجة واكتتبت فی غزوة كذا وكذا قال ارجع فحج مع امرأتك». (بخاری، ۱۴۱۰) در این روایت و روایت بعدی حضرت به دلیل سد ضرایع و بستن باب فساد جنسی در جامعه، خلوت زن و مرد را حرام کرده است (شحاته، ۲۰۱۱، ۱۷۳/۱). علاوه بر روایات، عقل نیز دلالت بر حرمت خلوت با نامحرم دارد؛ زیرا از راه‌های ارتکاب به زنا و مقدمات آن است و باتوجه به حرام بودن زنا مقدمات آن نیز حرام است (کاسانی، ۱۴۰۶، ۵۳۷/۲؛ المرادوی، بی تا، ۳۱/۸). باتوجه به اینکه صدق خلوت در منابع اهل سنت موجب ثبوت مهر بر زوج می‌شود احکام خلوت صحیح و فاسد مورد توجه این منابع قرار گرفته‌اند و در تعریف خلوت صحیح دارند: «خلوت زوجین بعد از عقد ازدواج صحیح در مکانی که از اطلاع مردم به دور است (مانند خانه در بسته) با نبود مانع از نزدیکی، حسی (مانند بیماری)، طبیعی (مانند حضور شخص ثالث) و یا شرعی (مانند حیض یا روزه) در این شرایط خلوت صدق می‌کند» (الزحیلی، ۱۹۸۵، ۶۸۳۵/۹). مذاهب مختلف اهل سنت در مصداق خلوت با یکدیگر اختلاف نظر دارند. در ادامه به این نظرات اشاره می‌شود:

#### ۷-۱-۱. شافعیه

شافعیه معتقدند که خلوت یک مرد با زنان یا مردان به یک زن یا مردان و زنانی که یک محرم در بین ایشان نیست، حرام است. صاحب مجموع با استناد به قول مشهور و اعتماد به عدم جریان مفسده در خلوت مرد با زنان آن را مجاز می‌داند. نویسنده حاشیه جمل معتقد است: «در صورت ثقه بودن زن و وجود ترس اجتماعی یا حشمت از زن، خلوت مردان با زن جایز است» (بی نا، ۱۴۰۴، ۲۶۹/۱۹). خلوت به قصد درمان نیز جایز نیست و باید در حضور محرم، مردان و یا زنان ثقه باشد (شربینی، ۱۴۲۵، ۱۲۱/۲).

## ۷-۱-۲. حنفیه

حنفیه معتقد هستند که خلوت زن با مردان نامحرم جایی که ضرورت و نیاز شدیدی نیست، حرام است. (کاسانی الحنفی، ۱۴۰۶، ۵۳۷/۲) خلوت مرد با زنان نیز حرام است چه برای درمان و یا آموزش باشد مگر اینکه محرم و یا زوج باشد (ابن عابدین، ۱۹۹۲، ۳۶۸/۶).

## ۷-۱-۳. حنابله

حنابله معتقد هستند که خلوت زن با مردان نامحرم و بالعکس جایی که ضرورت و نیاز شدیدی نیست، حرام است. همچنین خلوت به قصد درمان و آموزش نیز حرام است، مگر اینکه همراه با محرم یا زوج باشد. (ابن قدامه، ۱۹۶۸، ۴۵۳/۷؛ ابن تیمیه، ۱۹۹۵، ۲۵۱/۳۲)

## ۷-۱-۴. مالکیه

مالکیه معتقد هستند که خلوت زن با مردان و یا مردان با زن اشکالی ندارد. (الساده، ۲۰۱۳) خلوت با پیرزن یا پیرمرد نزد مالکیه حرمت ندارد (المرداوی، بی تا، ۳۱۴/۹).

## ۸. نتیجه گیری

اسلام مکتبی جامع با ساختار منسجم است و می خواهد مردان و زنان مسلمان از نظر روحی آرام و سالم باشند تا بتوانند قله های رفیع انسانی و رستگاری معنوی را فتح کنند. از طرف دیگر به نیازهای غریزی و فطری خود نیز دست یابند. بنابراین، با حساسیت ویژه، اما واقع بینانه و بالحاظ طبیعت و امیال درونی و خواسته های نفسانی، انسان قوانین و احکامی را برای حفظ و نگهداری فرد، خانواده و جامعه در خط اعتدال و میانه روی وضع کرده است. از جمله آن احکام، چگونگی ارتباط با جنس مخالف است. نتایج تحقیق نشان داد مستندات حرمت خلوت از نگاه منابع شیعه متعدد هستند، ولی از نظر دلالت و به ویژه از نظر سندی ضعیف هستند. با این وجود، شهرت روایی در بین متقدمین فقها دارد و نمی توان از آن چشم پوشی کرد. روایات جواز خلوت نیز دلالت بر مطلب ندارند و شهرت فتوایی متأخرین بر عدم حرمت نیز قوت کافی ندارد. مهمترین دلیل گروه مقابل اصل برائت ازلی است. در نتیجه نمی توان به هیچ یک از طرفین حکم

داد. باتوجه به روایات متعدد گروه اول باید گفت احتیاط واجب بر ترک خلوتی است که نظارت بازدارنده دیگران وجود ندارد. در منابع اهل سنت نیز مستندات دلالت بر حرمت خلوت دارند، ولی در صدق خلوت بر اجتماع زن با مردان و یا مرد با زنان اختلاف نظر دارند. به نظر غالب علمای اهل سنت، آموزش و درمان نیز از این حکم مستثنی نیست.

### فهرست منابع

۱. ابن عابدین، محمد امین بن عمر بن عبدالعزیز (۱۴۱۲-۱۹۹۲)، رد المختار علی الدر المختار. بیروت: دار الفکر.
۲. ابن قدامه المقدسی (۱۳۸۸-۱۹۶۸)، المغنی لاین قدامه. قاهره: مکتبه القاهره.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب. بیروت: دار الاصدار.
۴. ابن تیمیه الحرانی، تقی الدین ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم (۱۴۱۶-۱۹۹۵)، مجموع الفتاوی. المحقق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم. مدینه: مجمع الملك فهد.
۵. ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد شمس الدین (۱۴۱۱) اعلام الموقعین عن رب العالمین. تحقیق: محمد عبدالسلام ابراهیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. ابوجیب، سعدی (۱۴۰۸)، القاموس الفقہی لغه واصطلاحا. سوریه: دار الفکر.
۷. بحرانی، سیدمحمد (۱۴۲۹)، سند العروه الوثقی. قم: نشر مکتبه الفدک.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰)، صحیح بخاری. قاهره: وزارت الاوقاف.
۹. بنی هاشمی خمینی، محمد حسن؛ اصولی، احسان (۱۳۹۴)، توضیح المسائل مراجع مطابق با فتاوی شازنده نفرز مراجع معظم تقلید. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۰. تویسرکانی، میرزا عبدالغفار حسینی (۱۴۱۸)، رساله فی الغناء. قم: نشر مرصاد.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعه. قم: نشر مؤسسه آل بیت (ع).
۱۲. حسینی روحانی قمی، سید صادق (۱۴۱۲)، فقه الصادق (ع). قم: دار الکتب.
۱۳. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۷)، مصباح الفقاهه. قم: انصاریان.
۱۴. زحیلی، وهبه (۱۹۸۵)، الفقه الاسلامی وادلته. دمشق: دار الفکر.
۱۵. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۱۷)، دلیل تحریرالوسیله. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. شبیری زنجانی، سیدموسی (۱۴۱۹)، کتاب نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
۱۷. شحاته، محمدصقر (۲۰۱۱-۱۴۳۲)، الاختلاط بین الرجال والنساء، احکام وفتاوی. مصر: دار الیسر.
۱۸. الشربینی، محمد بن محمد الخطیب (۱۴۲۵)، الاقناع فی حل الفاظ ابی شجاع. محقق: معوض، علی محمد. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۹. شهیدثانی، عاملی (۱۴۱۳)، مسالک الاقحام. قم: نشر معارف اسلامی.
۲۰. صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه. تصحیح: غفاری، علی اکبر. قم: انتشارات اسلامی.
۲۱. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، (۱۴۲۱)، حاشیه المکاسب. قم: نشر مؤسسه اسماعیلیان.
۲۲. عاملی، یاسین عیسی (۱۴۱۳)، الاصطلاحات الفقہیه فی الرسائل العلمیه. بیروت: دار البلاغه للطباعه.

٢٣. عبدالرحمان، محمود (بی تا). معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه. قاهره: دار الفضیله.
٢٤. عسقلانی، ابن حجر (١٤٠٧-١٩٨٧). فتح الباری بشرح صحیح البخاری. محقق: محب الدین الخطیب و آخرین. قاهره: دار الریان للتراث.
٢٥. علامه حلی، حسن بن یوسف (١٣٨٨). تذکره الفقہا. قم: نشر مؤسسہ آل البیت علیہ السلام.
٢٦. کاسانی الحنفی، علاء الدین، و ابوبکر بن مسعود بن (١٤٠٦). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. بیروت: دار الکتب العلمیہ.
٢٧. کلینی، محمد بن یعقوب (١٤١٤). اصول کافی. بیروت: دار المفید.
٢٨. محقق ثانی، عاملی، و کرکی، علی بن حسین (١٤١٤). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: نشر مؤسسہ آل البیت علیہ السلام.
٢٩. محمد بن احمد بن عرفه الدسوقی المالکی (بی تا). حاشیہ الدسوقی علی الشرح الکبیر. بیروت: دار الفکر.
٣٠. محمد عاشور، احمد محمود (٢٠٠٧). احکام الخلوہ فی الفقہ الاسلامی. فلسطین: جامعہ الاسلامیہ غزه.
٣١. المرادوی، علاء الدین ابوالحسن علی بن سلیمان المرادوی دمشقی (بی تا). الانصاف فی معرفه الراجح من الخلاف. قم: دار احیاء التراث العربی.
٣٢. مفید، محمد بن محمد (١٤١٣). امالی. قم: نشر کنگره شیخ مفید.
٣٣. موسوی خمینی، روح الله (١٣٦٣). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیہ السلام.
٣٤. موسوی خوانساری، سید احمد (١٣٥٥). جامع المدارک. تهران: نشر صدو.
٣٥. نجفی، محمد حسن (١٤٠٤). جواهر الکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٣٦. النووی (١٤٢٢-٢٠٠١). شرح صحیح مسلم. محقق: عادل عبدالموجود، و علی معوض. مکه: مکتبه نزار مصطفی الباز.
٣٧. وزاره الاوقاف والشؤون الاسلامیہ الكويت (١٤٠٤). الموسوعه الفقهیہ الكويتیہ. کویت: ناشر وزاره الاوقاف والشؤون الإسلامیہ للکویت.